

فرهنگ مردم مصر

نویسنده: *Wicholis S.Hopkins and Reem saad*

مترجم: گروه ترجمه صراط

چکیده:

این مقاله که برگرفته از دایره المعارف فرهنگ کشورهای است^۱ با بررسی عناوین و موضوعات متداول به فرهنگ مصر پرداخته و مسائلی مانند، روابط قومی و نژادی، ازدواج، خانواده، آداب معاشرت، اعتقادات دینی، مراسم و جشن‌ها، هنر، علوم اسلامی و... را بررسی کرده است.

کلید واژه‌گان: مصر، فرهنگ، روابط قومی، هویت ملی

مصر

نام کشور و مردم آن

این کشور در زبان عربی مصر^۱ نامیده می‌شود. اگرچه این نام به قبل از فتح این کشور از سوی مسلمانان مربوط می‌شود، اما در قرآن نیز از آن یاد شده است. مردم مصر نسبتاً از یک نژاد تشکیل شده‌اند. اکثریت غالب (بیش از ۹۰ درصد) مسلمانان سنی مذهبی هستند و به زبان عربی تکلم می‌کنند. نزدیک به ۶ درصد از جمعیت را مسیحیانی تشکیل می‌دهند که از بعضی جنبه‌ها به مسلمانان شباهت دارند. بیشتر مسیحیان در این کشور اعضای کلیسای مسیحی ارتدوکس بوده که یک کلیسای باستانی در مصر به شمار می‌رود، اما اقلیت‌هایی نیز وجود دارند که کاتولیک یا پروتستان بوده، یا به کلیساهای لووان^۲ (مارونی^۳، ارتدوکس یونانی^۴، کاتولیک یونانی^۵) تعلق دارند. موقعیت و جغرافیا. مساحت مصر ۳۸۵،۲۲۹ مایل مربع (۱،۰۰۱،۰۰۰ کیلومتر مربع) می‌باشد. مصر از کشورهای دیگر، از طریق اقیانوس یا مناطق پراکنده بیابانی جدا شده است. در شمال این کشور دریای مدیترانه قرار دارد و در شرق آن نیز دریای سرخ دیده می‌شود. مصر به خاطر وجود بیابان‌های غربی، از کشورهای لیبی و آفریقای شمالی، از طریق شبه جزیره سینا^۶ از فلسطین اشغالی و به وسیله بیابان، به جز ساحل باریک رود نیل، از مراکز پرجمعیت سودان، جدا می‌شود. از مشخصه‌های مهم جغرافیایی مصر

۱. Misr

۲. Levant

۳. Maronite

۴. Greek Orthodox

۵. Greek Catholic

۶. Sinai Peninsula

می‌توان به رود نیل و کانال سوئز^۱ اشاره کرد، که ضمن اتصال دریای سرخ^۲ و دریای مدیترانه^۳، مصر را از صحرای سینا جدا کرده است.

جمعیت. در اواخر سال ۱۹۹۶، کل جمعیت مصر به ۶۵،۲۰۰،۰۰۰ نفر بالغ شد. از این میان، برآورد شده است ۱،۹۰۰،۰۰۰ نفر در خارج از کشور، به ویژه در کشورهای نفت خیز خلیج عرب و هم چنین برخی کشورهای غربی، اقامت موقت داشته باشند. پیش بینی می‌شود جمعیت این کشور تا ۲۰۲۹ دو برابر شود. طبق گزارش مربوط به رشد میزان جمعیت در مصر^۴ در سال‌های ۹۸-۱۹۹۷، میزان امید به زندگی از بدو تولد در مصر ۶۶،۷ سال اعلام شده، که نسبت به سال ۱۹۷۶ که میزان امید به زندگی ۵۵ سال محاسبه شده بود، افزایش داشته است.

برخلاف قوانین جمعیت شناختی که تعداد زنان را بیشتر از مردان برآورد کرده است، مردان در مصر ۵۱،۲ درصد از کل جمعیت را تشکیل می‌دهند. مصر نیز از جمله کشورهای پرشماری است که در آن مسئله «کمبود زن» محسوس است؛ این کشورها در شرق تا گره^۵ بسط پیدا می‌کنند.

وابستگی زبانی. مصر بخشی از جامعه عرب زبان است که شمار جمعیت آن ۲۵۰ میلیون نفر تخمین زده شده است؛ عرب‌زبانانی که از مراکش تا عمان به طور پراکنده مشغول به زندگی هستند. عربی یکی از زبان‌های سامی^۶ بوده که به همراه زبان‌های بربر^۷، مصری باستان^۸، چادی^۹ و کوشیتیک^{۱۰}، از خانواده زبان‌های آفریقایی آسیایی به شمار می‌رود. زبان مردم مصر پس از فتح این کشور توسط مسلمانان در قرن هفتم به عربی تغییر یافت، هر چند جایگزین شدن کامل زبان‌های بدوی در این کشور با عربی، چندین قرن به طول انجامید. در مصر، هم چون دیگر کشورهای عرب، زبان عربی یک زبان دو وجهی به شمار می‌رود؛ بدین معنا که میان زبان نوشتاری عربی، که تحت تأثیر

۱. Suez Canal
۲. Red Sea
۳. Mediterranean Sea
۴. Egyptian Human Development Report
۵. Korea
۶. Semitic
۷. Berber
۸. Ancient Egyptian
۹. Chadic
۱۰. Cushitic

قرآن قرار داشته و زبان گفتاری آن تفاوت اساسی وجود دارد. در مصر چند گویش محلی به کار برده می‌شود، به ویژه گویش مورد استفاده در مصر علیا^۱، اما هیچ چیز مانع از درک متقابل یا سوء تفاهم بین مردم نمی‌شود.

گویش مورد استفاده در قاهره، گویش استاندارد مصر در نظر گرفته می‌شود و کاربرد آن در رادیو و تلویزیون این کشور الزامی است. نفوذ فرهنگ مصر به ویژه گویش قاهره‌ای بر دیگر نقاط دنیای عرب نیز تاثیر گذارده است. زبان‌های انگلیسی و پس از آن فرانسه، متداول ترین زبان‌های خارجی در مصر هستند.

نمادها. نمادهای برجسته در محیط‌های رسمی و نیمه رسمی مصر، از جنبه‌های مختلف تاریخ این کشور، به ویژه از دوران فراعنه و مسلمانان، نشأت می‌گیرد.

اهرام ثلاثه (گاهی همراه با مجسمه ابوالهول)^۲، از مهم ترین و بارزترین نمادهای مردم مصر به شمار می‌روند. تصویر این نمادها در بیشتر «کارت پستال‌ها» مورد استفاده قرار گرفته و تیترا اصلی روزنامه یومیه الأهرام^۳ (با سه هرم چاپ شده در بالای صفحه) نیز می‌باشد. هروس^۴، یا شاهین، نقشی است که در گذشته نماینده دین مصریان باستان به شمار می‌رفت، اما اکنون نماد خطوط هواپیمایی مصر محسوب می‌شود.

دیگر نمادهای این کشور، میراث اسلام است. مسجد محمد علی^۵ که در قرن نوزدهم بر روی قسمت فوقانی یک دژ قرون وسطایی بنا شده است، از تمامی نقاط قاهره قابل رویت است. مساجد ابن تولون^۶ و سلطان حسن^۷ در قاهره و مقبره و مدرسه قایت بی^۸ در گورستان شمالی این شهر، از جمله آثار باستانی هستند که از اهمیت معماری بیشتری برخوردارند.

یکی از نمادهای مهم مصر که از موقعیت جغرافیایی این کشور نشأت گرفته است، رود نیل است. نام رود نیل در بسیاری از متون ذکر شده، متونی که هر کدام گوشه‌ای از هویت یا سوابق فرهنگی مرسوم در این کشور را نشان می‌دهد. این نماد با موضوعاتی مانند ابدیت، عشق یا افتخار (مثلاً احداث سد مرتفع آسوان) عجین شده است. در

۱. Upper Egypt

۲. Great Sphinx

۳. Al-Ahram

۴. Horus

۵. Mohammed Ali mosque

۶. Ibn Tulun

۷. Sultan Hassan

۸. Qaitbey

سال‌های اخیر، مسافرت‌های دریایی در رود نیل به یکی از جاذبه‌های جهان گردی قابل توجه در این کشور بدل شده، ضمن این که پاک سازی رود نیل نیز اکنون یک شعار طرف داران از محیط زیست به حساب می‌آید.

پرچم مصر یک پرچم ساده و سه رنگ است که در آن رنگ سیاه نماد گذشته ی آمیخته با ظلم در مصر، قرمز نماد قربانی و سفید نماد آینده می‌باشد؛ در وسط پرچم، تصویر یک شاهین دیده می‌شود که مکمل طرح روی پرچم است. رنگ پرچم چندین کشور عربی دیگر نیز مشابه هم بوده و بازتابی از وحدت در جهان عرب به شمار می‌رود. سرود ملی مصر در حال حاضر، موسیقی آوازی موسوم به «بیلادی»^۱ (به معنی «سرزمین من»)، یکی از آوازهای میهن پرستانه است که در سال ۱۹۱۹ در دوران قیام علیه بریتانیای اشغال گر توسط مردم سروده می‌شد.

روابط قومی و نژادی. از آن جا که مصر بخشی از دنیای وسیع عرب به شمار می‌رود، لذا ریشه اصلی هویت قومی و نژادی آن را نباید تنها در این کشور جست و جو کرد؛ مردم نمی‌دانند که مصری بودن یا عرب بودن کدام یک مهم تر است. جهان عرب با زبان و فرهنگ مشترک - از جمله ارزش‌ها و آداب اسلامی - و نیز با حسی از مسائل مشترک سیاسی در هم آمیخته است حتی وقتی کشورها و مردم موضع گیری‌های متفاوتی را در پیش می‌گیرند، بر این مسئله واقف هستند. اتحادیه عرب مشخصه وحدت میان اعراب به شمار می‌رود^۲ و مقر آن در قاهره است.

تغذیه و اقتصاد

تغذیه روزانه. غذا خوردن یکی از فعالیت‌های اجتماعی مهم به شمار رفته، و نقش اساسی در شکل گیری رویدادهای اجتماعی و مراسم سنتی ایفا می‌کند. نان، مهم ترین خوراک روزانه مردم را تشکیل می‌دهد. در مناطق روستایی، نان معمولاً توسط زنان در تنوره‌های گلی موجود در خانه پخت می‌شود. در شهرها، نان در نانوائی‌ها فروخته می‌شود. دولت کنترل دقیقی بر نان استاندارد از لحاظ وزن و قیمت آن داشته، ضمن این که نان یکی از اقلام بسیار معدودی است که هنوز یارانه دولتی برای آن پرداخت می‌شود.

۱. Biladi

۲. اتحادیه عرب در مواجهه با موضوعات مهم جهان اسلام، از جمله مسئله فلسطین و مقابله سیاسی و اقتصادی با رژیم صهیونیستی، کارآیی لازم را نداشته است و حتی در جنگ اخیر غزه، دودستگی در آن ایجاد شد.

آشپزی بومی مردم مصر تا اندازه زیادی بر سبزیجات وابسته است. فول^۱، خوراک اصلی مردم به شمار می‌رود؛ این غذا با نوعی نخود بر روی حرارت ملایم آتش درست شده و از نمک، لیمو، زیره سبز و روغن، به عنوان چاشنی در آن استفاده می‌شود؛ فول معمولاً در صبحانه خورده می‌شود. یکی دیگر از غذاهای مرسوم تمیّه ی^۲ یا فلافل نام دارد که با نخود کوبیده و مخلوط پیاز و تره فرنگی در داخل روغن سرخ کرده، درست می‌شود. کوشاری^۳ نیز خوراک معروفی است؛ برای درست کردن این خوراک باید برنج، عدس سیاه و ماکارونی را با هم مخلوط کرده و به آن سس گوجه فرنگی افزوده، سپس آن را با پیاز سرخ کرده و به آن چاشنی زد. این نوع غذاها در خانه درست شده، اما در سراسر قاهره در دکه‌های ساندویچ فروشی نیز عرضه می‌شوند.

میزان مصرف پروتئین حیوانی، تقریباً به ثروت بستگی کامل دارد (و نشانه‌ای از ثروت نیز به شمار می‌رود). غذاهای حاوی پروتئین حیوانی (گوشت گاو، گوشت بره، مرغ و ماهی) در خانواده‌های ثروت مند مصرف روزانه دارند. مسلمانان گوشت خوک نمی‌خورند. خانواده‌های با ثروت کمتر از غذاهای پروتئین دار، هفته‌ای یا حتی ماهی یک بار استفاده می‌کنند.

رستوران‌ها در سراسر کشور یافت می‌شوند. این رستوران‌ها از دکه‌های سنتی فروش غذاهای خیابانی گرفته تا رستوران‌های شیک که غذاهای بین‌المللی در آن‌ها ارائه می‌شود، تفاوت دارند.

یکی از تفاوت‌های عمده میان عادات غذایی سنتی، عموماً روستایی و مردم طبقه متوسط شهری، نوع نشستن و خدمات غذایی می‌باشد. در روستاها، مردم بر روی یک فرش نشسته و غذا را بر روی یک میز چوبی گرد و بسیار کوچک قرار می‌دهند. به هر نفر یک قاشق داده می‌شود تا غذا را مستقیماً از ظرف غذا بردارد. در شهرها، مردم دور یک میز غذاخوری به سبک غربی بر روی صندلی می‌نشینند و هر نفر برای خود یک بشقاب، قاشق، چنگال و چاقو دارد. در مناطق روستایی، وعده غذای اصلی پس از تاریک شدن هوا صرف می‌شود. مردم در شهرها اغلب هنگام شب و پس از این که اعضای خانواده از اداره‌ای محل کار به خانه باز می‌گردند، غذا خوردن را آغاز می‌کنند.

رسوم غذایی در مناسبات و مراسم سنتی. در جشن‌های اسلامی، اغلب، غذاهای

۱. fowl

۲. tamiyya

۳. koshari

مخصوص خورده می‌شود. عید قربان^۱، که در طی آن اراده حضرت ابراهیم در قربانی کردن پسرش (قربانی‌ای که به طور معجزه آسایی به دستور خداوند به یک قوچ تبدیل شد) مورد تجلیل قرار می‌گیرد. افرادی که توانایی داشته باشند به قربانی کردن یک قوچ می‌پردازند. قسمتی از گوشت قربانی بین فقرا توزیع و بخش دیگر آن توسط اعضای خانواده مصرف می‌شود.

مراسم عید فطر، پس از اتمام روزه داری در ماه رمضان، با پختن شیرینی‌های مخصوص، «کاک»^۲ آغاز می‌شود. پس از پختن این شیرینی به آن شکر می‌پاشند. شیرینی‌های فوق معمولاً به میهمانانی تعارف می‌شود که در طول جشن دعای خیر می‌خوانند.

روز ولادت حضرت محمد ﷺ با خوردن حلاوه المولد^۳ جشن گرفته می‌شود؛ حلاوه المولد نوعی شیرینی است که با استفاده از انواع خشک بار درست می‌شود. به دخترها عروسک و به پسرها خرسی داده می‌شود که کاملاً از شکر ساخته شده و اطراف آن را با کاغذهای رنگی تزئین می‌کنند.

در آستانه روز کریسمس و روز عید پاک، مسیحیان ارتدوکس روزه خود را با خوردن انواع غذاهایی از قبیل گوشت بره و مرغ باز می‌کنند. یکی از غذاهایی که در این جشن‌ها خورده می‌شود شیرینی‌هایی شبیه به شیرینی‌های عید فطر می‌باشد. شمس النسیم^۴ (یکشنبه عید پاک) صبحانه مخصوصی از ماهی شور، همراه با پیازهای سفید کوچک، کاهو و تخم مرغ‌های رنگی، تدارک دیده می‌شود که آن را در خارج از خانه در باغ‌ها یا در فضای آزاد می‌خورند. این مراسم جشن در سطح ملی و عملاً در تمامی مناطق از سوی مردم با طبقات مختلف اجتماعی برگزار می‌شود. این روز در مصر، جشن بهار و چیدن محصول نام گذاری شده است.

روزه داری از نظر مسلمانان و مسیحیان یکی از اعمال معنوی به شمار می‌رود. ویژگی روزه مسلمانان در طول ماه قمری رمضان (بیست و نه یا سی روز)، پرهیز از خوردن و آشامیدن از طلوع خورشید تا غروب آن^۵ است. برخی از مسلمانان زاهد

۱. The 'Id al-Adha

۲. kahk

۳. halawet al-mulid

۴. Sham al-Nassim

۵. مسلمانان در ایام روزه داری از طلوع فجر تا غروب آفتاب از خوردن و آشامیدن پرهیز می‌کنند نه از طلوع خورشید تا غروب آن.

روزهای دیگری را نیز طبق تقویم اسلامی روزه می‌گیرند، مانند روز جشن ولادت حضرت محمد ﷺ یا «سفر شبانه»^۱ (شب معراج) اعجاز آور او و روزهایی در اواسط ماه‌های قمری (سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم) و نیز دوشنبه و پنجشنبه هر هفته. نتیجه این که تقریباً نیمی از روزهای سال را از نظر برخی می‌توان ایام استحباب روزه داری دانست. در واقع، تمامی مسلمانان مصری در ماه رمضان روزه می‌گیرند، در حالی که تعداد کمتری از مردم مسلمان به گرفتن روزه‌های اختیاری (مستحب) می‌پردازند.

تعداد روزهایی که مسیحیان مصری می‌توانند روزه بگیرند، حتی به طور نظری بیشتر است. این تعداد متغیر است، اما به بیش از ۲۰۰ روز در سال که اغلب به کریسمس و عید پاک منجر می‌شوند، بالغ می‌گردد. به این تعداد باید روزهای چهارشنبه و جمعه هر هفته به جز ایام اصلی روزه داری را نیز افزود. روزه داری در دین مسیحیت عبارت از پرهیز از خوردن گوشت، ماهی، تخم مرغ، شیر، کره و پنیر می‌باشد. در آئین مسیحیت، یکی از هدف‌های روزه داری را باید غلبه بر جسم و هیجان‌ات ذهنی دانست، که نتیجه آن دست یابی به خلوص بیشتر خواهد بود.

اقتصاد پایه. نزدیک به ۲۵ درصد از تولید ناخالص ملی این کشور از بخش صنعت و ۱۸ درصد نیز از بخش کشاورزی تأمین می‌شود. ۵۷ درصد باقی مانده شامل تمامی دیگر فعالیت‌ها و قبل از همه امور خدماتی مانند جهان گردی و بخش‌های غیر رسمی (شرکت‌های کوچکی که اغلب تحت نظارت دولت کار نمی‌کنند) می‌شود؛ شبکه گسترده‌ای از بانک‌ها و صنعت مهم ساخت و ساز را نیز باید از جمله این فعالیت‌ها برشمرد. یک بازار سهام که در آن نزدیک به سی سهام عمده داد و ستد می‌شود، در دهه ۱۹۹۰ ایجاد شد.

مصر کشوری غنی از لحاظ کشاورزی می‌باشد. بهره زراعی این کشور نسبت به هر واحد از زمین‌های زراعی، در دنیا مقام اول را داراست. محصولات عمده آن پنبه، نیشکر، گندم، ذرت و نخود بوده، به علاوه مناطق وسیعی که به باغستان‌های میوه (اصولا مرکبات) و سبزیجات اختصاص یافته‌اند. دام‌های اهلی (گله‌های گاو، گاو میش اهلی، گوسفند و بز) آن نیز قابل توجه بوده و برخی زمین‌های زراعی نیز در آن به کشت علوفه حیوانات مشغول هستند. در مصر به طور متوسط دو بار در سال برداشت محصول اتفاق می‌افتد. کشاورزانی که بر روی مزارع شخصی خود کار می‌کنند تلاش دارند تا در تولید برخی محصولات مانند گندم به خودکفایی برسند، اما در کل، آن‌ها هر چه را کشت کنند می‌فروشند و معاش خود را از طریق بازارها نیز تأمین می‌نمایند.

۱. Night Journey

شبکه‌های پیچیده بازار، متشکل از تاجران خرده پایی است که در مناطق شهری، یا گاهی بین روستاها، به فروش محصولات غذایی خود می‌پردازند. روی هم رفته، بخش بازاریابی در مصر، به رغم فعالیت چند شرکت بزرگ، انبوهی از واحدهای تجاری کوچک را در بر می‌گیرد. از آن جایی که کشاورزان قدرت تجاری کافی برای چانه زدن بر سر قیمت را ندارند، به ناچار تقاضاهای تاجرین بزرگ را می‌پذیرند.

عناصر اصلی تولید در کشاورزی را زمین، آب و نیروی کار تشکیل می‌دهند. معمولاً در مناطق کوچک، زمین داران شخصی به طور متوسط نزدیک به ۲,۵ جریب زمین (۱ هکتار) را در اختیار دارند. از ۱۹۵۲ تا ۱۹۹۷، مالیکت زمین‌های کشاورزی تضمین می‌شد (طبق این قانون، کسی نمی‌توانست اجاره کنندگان زمین را از ملک خود بیرون کند)، اما این ضمانت نامه در سال ۱۹۹۷ لغو شد. تا آن سال، زمین‌های اجاره‌ای قریب به یک ششم از زمین‌های کشاورزی را تشکیل می‌دادند و اجاره کنندگان زمین فقیرتر از کشاورزانی بودند که برای خود زمین خصوصی داشتند. با این حال، اجاره کنندگان زمین یاد گرفته بودند طوری کشت زارها را عمل بیاورند که گویی آن‌ها مالک زمین بوده‌اند. پس از ۱۹۹۷، آن‌ها یا باید از پس اجاره‌های بالاتر بر می‌آمدند یا زمین را ترک می‌کردند.

آب یاری در کشاورزی مصر نقش حیاتی دارد و آب توسط دولت از طریق کانال‌هایی برای کشاورزان فراهم می‌شود. پرداخت هزینه آب از طریق مالیات بر زمین توسط کشاورزان دارای زمین‌های بزرگ تر، به طور غیر مستقیم پرداخت می‌شود. آب رایگان به نظر رسیده و دولت هم چنان از این سیاست که آب برای کشاورزان باید به طور رایگان تامین شود، حمایت می‌کند. از آن جایی که کشاورزان مجبورند آب را از طریق کانال‌ها به زمین‌های خود انتقال دهند، این کار برای آن‌ها هزینه‌هایی را در پی خواهد داشت.

در خانواده‌های روستایی، کار در مزرعه قبل از همه وظیفه اعضای خانه است. رئیس خانواده اعضای تحت سرپرستی خود را برای کار در مزرعه بسیج می‌کند، اما هم چنین ممکن است نیروهای کار دیگری را نیز به غیر از خانواده خود اجیر کند، به ویژه برای اموری که مستلزم کارهای گروهی باشد. کشاورزی مصر به تدریج کاربری تر شده، در واقع بهتر است آن را هم چون باغبانی توصیف نمائیم.

بسیاری از اعضای خانواده در روستاها را کارگران کشاورزی تشکیل می‌دهند و این احتمال وجود دارد که این خانواده‌ها نتوانند تنها با درآمد حاصل از کار در مزارع کشاورزی دیگران تامین معاش کنند. مهم ترین منابع درآمدی به جز کار در مزرعه را

کارهای دولتی (مانند معلمی، کارمندی و نگهبانی)، کار در بخش‌های خصوصی (حمل محصولات کشاورزی با کامیون یا فروش آن‌ها) و کار کارخانه تشکیل می‌دهد. در کشاورزی مصر، اموری که بتوان آن را با تراکتور مانند شخم زنی و حمل و نقل یا پمپ آب انجام داد، به حالت مکانیزه درآمده‌اند. امور دیگر مانند کاشت، بذر پاشی و برداشت، هنوز هم با دست انجام می‌شوند. از آن جا که بیشتر کشاورزان قادر به خرید ماشین آلات کشاورزی نیستند، بسته به نیاز، آن‌ها را اجاره می‌کنند. در مجموع، تراکتورها و پمپ آب‌ها متعلق به کشاورزان پول دارتری است که ظرفیت اضافی خود را اجاره می‌دهند.

صنایع عمده. مصر یک کشور نسبتاً صنعتی است، به ویژه در منسوجات و تولید پوشاک، سیمان، ظروف فلزی از همه نوع و جنگ افزار. مدل‌های متعددی از اتومبیل در مصر وجود دارند. در نیمه دوم قرن بیستم، بسیاری از این صنایع دولتی بودند. در پایان قرن بیستم، این صنایع وارد فرآیند خصوصی سازی شدند. کارگاه‌های خصوصی بسیار کوچکی نیز در این کشور وجود دارد که به تولید کفش، چارچوب در، مبلمان، پوشاک، دیگ‌های آلومینیومی و اقلام مشابهی با مصرف داخلی می‌پردازند.

تجارت. مصر به واردات بیشتر از صادرات گرایش دارد. وادرات این کشور شامل کالاهای مصرفی از جمله غذا و مواد خام صنعتی می‌شوند، در حالی که صادرات این کشور را عمدتاً محصولات کشاورزی و خدمات تشکیل می‌دهند. یکی دیگر از محصولات عمده صادراتی مصر کارگرانی هستند که در خارج از کشور کار می‌کنند تا برای خانواده‌های خود پول ارسال کنند.

طبقه بندی اجتماعی

طبقات اجتماعی و گروه‌ها. در مصر، شکاف عظیمی میان افراد بسیار ثروت مند و بسیار فقیر وجود دارد. در فرهنگ این مرز و بوم، احترام به افراد ثروت مند و قدرت مند از سوی فقرا، ضعیفان و زیردستان در شیوه صحبت کردن، ایستادن و رضایت مندی آن‌ها وجود دارد. اختلافات بین افراد و خانواده‌ها در مصر ممکن است به میزان درآمد یا منبع درآمد آن‌ها بستگی داشته باشد. البته الگوی مصرف خانه، خودرو، لباس، زبان، تحصیلات، موسیقی و مانند آن را نیز می‌توان منشأ این اختلافات دانست. مذاکره در مراسم قبل از ازدواج، تمامی این اختلافات سلیقه‌ای و درآمد را پیش می‌کشد. آنچه در مصر کمتر دیده می‌شود، توجه عمیق به اختلافات طبقه‌ای است که می‌تواند طبقات اجتماعی بالقوه را به طبقات اجتماعی بالفعل تبدیل کند. آن چه در بین مردم پسندیده یا ناپسند نامیده می‌شود، به میزان بحث از آن در اجتماع بستگی دارد.

بهبتر شدن تدریجی شرایط زندگی در مصر بدین معناست که طبقه متوسط به طور نسبی رو به ترقی بوده، درحالی که شکاف بین طبقات بالا و پائین رو به افزایش است. طبق گزارش نهادهای دولتی، یک سوم از جمعیت مصر زیر خط فقر به سر می‌برند. جمعیت رو به رشد طبقه متوسط، به خانه، اتومبیل، ازدواج و تشکیل خانواده اشتیاق نشان داده، ضمن این که توانائی آن‌ها در به دست آوردن این موارد در حال افزایش است.

حیات سیاسی

دولت: پس از فروپاشی حکومت سلطنتی مصر در سال ۱۹۵۲، نوعی حکومت جمهوری در این کشور شکل گرفته است. ریاست دولت را رئیس جمهور منتخب برای مدت شش سال بر عهده می‌گیرد. رئیس جمهور، نخست وزیر و هیئت وزیران را منصوب می‌کند. پارلمان از سوی ۲۲۲ حوزه انتخابی برای مدت پنج سال انتخاب می‌شود. هر حوزه، یک نفر را به عنوان نماینده کارگران و کشاورزان، همراه با یک نفر دیگر انتخاب می‌کند. به علاوه، رئیس جمهور ده نفر دیگر را به عنوان نماینده گروه‌هایی بر می‌گزیند که ممکن است نماینده‌ای در پارلمان نداشته باشند. این امر در سال‌های اخیر به رئیس جمهور اجازه داده تا رهبران احزاب فاقد کرسی را نامزد انتخابات کند؛ مسیحیان و زنان به ندرت انتخاب می‌شوند. مضاف بر این، نوعی مجلس شورا نیز در این کشور وجود دارد که دو سوم اعضای آن انتخاب و یک سوم نیز منصوب می‌شوند. وظیفه مجلس شورا بحث و تبادل نظر در خصوص مسائل اساسی است. رئیس جمهور هم چنین با کمک وزیر کشور، استان دارانی را برای بیست و شش استان مصر انتخاب می‌کند. شوراهای منتخب در سطح محلی فعالیت می‌نمایند.

مصر دارای یک نظام «حزب غالب»^۱ است که در آن یک حزب بر اکثریت غالب در مجلس نظارت همیشگی دارد. این حزب غالب، حزب دموکراتیک ملی (NDP)^۲ نام دارد و نماینده تشکیلات سیاسی در کشور است. چهارده حزب دیگر نیز وجود دارند که تنها معدودی از آن‌ها توانسته‌اند نمایندگانی در مجلس داشته باشند. از میان این احزاب می‌توان به حزب وفد، وارث سنتی مبارزات استقلال طلبانه در کشور در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰، با گرایش سوسیالیستی؛ حزب سوسیالیست کارگری^۳، که رهبران اسلام‌گرا بر

۱. dominant party

۲. National Democratic Party

۳. Socialist Labor Party

آن احاطه کامل دارند؛ حزب ترقی خواه^۱، وارث سنت چپ گرای مصر؛ و حزب لیبرال^۲، اشاره کرد.

هر چند انتخاب زنان در مجلس به ندرت صورت می‌گیرد، اما برخی نمایندگان زن همواره در مجلس حضور می‌یابند. در اواخر دهه ۱۹۷۰، کرسی‌هایی برای نمایندگان زن در مجلس وجود داشت، چیزی که باعث افزایش تعداد آن‌ها می‌شد، اما بعدها این قانون خلاف قوانین اساسی کشور اعلام گردید. معمولاً تعداد وزیران زن کم است. یکی از نقش‌های کلیدی برای زنان در نظام سیاسی حاکم در مصر، نقشی است که همسر رئیس‌جمهور ایفا می‌کند. همسر رئیس‌جمهور فعلی مصر، نقش سازمان‌دهی اقدامات توسعه سوادآموزی و مراقبت‌های بهداشتی را در حمایت از سیاست‌های دولت بر عهده گرفته است.

جنبش اسلامی در مصر، حزب مخالف خارج از قلمرو مجلس است که یک جنبش واحد به شمار نمی‌رود. از آن جایی که تشکیل احزاب دینی، به ویژه احزاب اسلامی یا مسیحی ممنوع است، فعالان سیاسی مسلمان یا باید به عضویت حزب دیگری درآیند، که بسیاری از آن‌ها این کار را می‌کنند، یا خارج از فرآیند رسمی به فعالیت‌های خود ادامه دهند. به نظر می‌رسد رقابت سیاسی در مصر بین سکولارهای حزب دموکراتیک ملی، طرف دار دنیای تجارت و مدیریت سطح بالا با ارزش‌هایی می‌باشد که دیگر جنبش‌های اسلام‌گرا، یعنی «اپوزیسیون»، نماینده آن می‌باشند.

در روستاها و حومه‌های شهر، شوراهایی وجود دارند که به مدیریت مناطق مختلف، جمع‌آوری زباله و احداث برخی ابنیه عام‌المنفعه، مانند سیستم جدید آب رسانی، می‌پردازند. این شوراهای محلی دوشادوش نمایندگان محلی وزارت خانه‌های مختلف (مانند وزارت کشور، بهداشت و کشاورزی) انجام وظیفه می‌کنند.

مشکلات اجتماعی و کنترل آن: جرائم خیابانی در مصر نسبتاً به ندرت اتفاق می‌افتد. بیشتر جرائمی که در مطبوعات گزارش شده درگیری‌های خانوادگی یا انواع کلاه برداری‌ها بوده است. اگرچه مواد مخدر در مصر یافت می‌شود، اما مصرف آن غیر قانونی می‌باشد و مصرف‌کنندگان آن سعی می‌کنند تا در خفا به استعمال این مواد بپردازند.

به رغم حضور مشهود نیروهای پلیس راهنمایی و رانندگی و گارد پلیس در مناطقی که اتباع بیگانه زندگی می‌کنند، بخش‌های وسیعی در شهر قاهره، و بسیاری روستاها، وجود دارد که فاقد هرگونه نیروی پلیس می‌باشند. از این رو، آن‌ها برای رفع اختلافات

۱. Progressive Party

۲. Liberal Party

خود مجبورند ابتکار فردی به خرج داده، ضمن این که روش‌های معروفی برای میانجی‌گری (جهت پایان درگیری‌های فیزیکی) و وساطت در مشاجره‌های پیچیده تر وجود دارد. پلیس نیز اغلب به جای این که نقش مأمور قانون را ایفا کند، به عنوان واسطه وارد عمل می‌شود. در مناطق روستایی به ویژه در مصر علیا، مشاجره بین خانواده‌های پر جمعیت بر سر ملک یا قدرت ممکن است به جنگ و نزاع تبدیل شود.

به نظر می‌رسد کنترل اجتماعی در این کشور از طریق ترویج دائم ارزش‌های والای اسلامی در خیابان‌ها و معابر شلوغ آن صورت می‌گیرد. در این شهرها و به ویژه در روستاهای آن مردم همگی یکدیگر را به خوبی می‌شناسند. شاید بهتر است بگوئیم قاهره را باید روستایی با پانزده میلیون نفر جمعیت فرض کرد.

فعالیت نظامی: مصر در جنگ‌های بسیاری، به ویژه با اسرائیل، در نیمه دوم قرن بیستم درگیر بوده است: جنگ بر سر تشکیل دولت اسرائیل بین سال‌های ۱۹۴۰-۱۹۴۷، ملی شدن کانال سوئز، «تجاوز سه جانبه» اسرائیل، فرانسه و انگلستان در سال ۱۹۵۶، جنگ شش روزه در ۱۹۶۷، جنگ فرسایشی در اوایل دهه ۱۹۷۰ و جنگ اکتبر ۱۹۷۳. به علاوه، در دهه ۱۹۶۰، مصر درگیر مبارزات داخلی یمن شد و در این میان عربستان سعودی نیز یک طرف درگیری به شمار می‌رفت و برای دول متحدی که با عراق جهت اشغال کویت در سال‌های ۱۹۹۱-۱۹۹۰ درگیر بودند، نیروی نظامی تامین نمود. مردم زیادی در مصر در جریان جنگ با اسرائیل بین سال‌های ۱۹۴۷ و ۱۹۷۳ جان خود را از دست دادند، هر چند از آن زمان تاکنون، وضعیت آرام تری را می‌توان در مصر مشاهده نمود.

رفاه اجتماعی و برنامه‌های تحول: شهروندان مصری از تحصیل و مراقبت‌های بهداشتی رایگان بهره مند هستند، ضمن این که برای فارغ‌التحصیلان نیز ضمانت شغلی وجود دارد. با این حال، ارائه این گونه خدمات در سطح پائینی صورت می‌گیرد و هزینه‌های پنهان بسیاری، مانند صرف زمان انتظار، وجود دارد. انتقال از نظام سوسیالیستی به نظام بازاری باعث گردیده اکثریت جمعیت فاقد طرح‌های پشتیبانی واقعی باشند. بخشی از سیاست‌های اجتماعی به تلاش برای سازمان دهی مجدد رفاه و کمک به جوانان بی کار جهت خود اشتغالی، مربوط می‌شود. اقداماتی در راه است تا نظام بیمه درمانی و تامین اجتماعی در سطح ملی پایه گذرای شوند.

تلاش‌ها از سوی سازمان‌های غیر دولتی در زمینه تامین رفاه اجتماعی به طور پراکنده‌ای صورت می‌گیرند. علاوه بر مؤسسات و انجمن‌های مردمی که به ارائه خدمات می‌پردازند، بازگشت به نوع دوستی در مفهوم سنتی آن یعنی نیکوکاری و سرپرستی فقرا با سرعت بیشتری صورت می‌گیرد.

گروه‌های اسلام‌گرا در ارائه خدمات به مردم ساکن در مناطق فقیرنشین، به ویژه در زمینه‌های بهداشتی و آموزشی، فعال بوده‌اند. این امر نقطه شروع مهمی برای محبوبیت این گروه‌ها در دهه گذشته قلم داد می‌شود. با این حال، پس از اعمال محدودیت‌هایی^۱ بر فعالیت گروه‌های اسلام‌گرا از سوی دولت، چنین اقداماتی تا اندازه قابل توجهی کاهش یافته‌اند.

سازمان‌های غیر دولتی و دیگر انجمن‌ها، مصر از دیرباز شاهد انجمن‌های داوطلبانه در داخل کشور بوده است. در حال حاضر، بیش از چهارده هزار انجمن در مصر دایر هستند که بیشتر آن‌ها به فعالیت‌های بشردوستانه مشغول هستند. این انجمن‌ها اغلب کوچک و محلی بوده و هیچ یک دارای اعضای پرشمار نمی‌باشند. پس از ۱۹۶۴، قانون حاکم بر این انجمن‌ها به طرز روشنی بر کنترل دقیق دولت تأکید داشته است. در سال ۱۹۹۹، قانون جدیدی که انعطاف پذیری نسبتاً بیشتری را از خود نشان می‌داد، تصویب اما سال بعد از آن، خلاف مقررات مجلس اعلام شد، در نتیجه قانون سابق به قوت خود پابرجا مانده است. قانون مذکور از سوی بسیاری از انجمن‌های طرف دار محیط زیست و مردم، مورد مخالفت واقع گردید، زیرا به آن‌ها اجازه نمی‌داد مواضع سیاسی اتخاذ کنند.

انجمن‌های ملی قابل توجه در مصر را اتحادیه‌های حرفه‌ای پزشکان، وکلا، معلمان، مقامات کشاورزی و غیره تشکیل می‌دهند. آن‌ها برای اعضای خود تبلیغات کرده و گاهی نیز نقشی را در عرصه‌های سیاسی ایفا می‌کنند. سیاست‌های داخلی آن‌ها بیشتر منعکس کننده ی سیاست‌های ملی آن‌ها بوده و گرایش اصلی در این میان به سمت رقابت بین حزب دموکراتیک ملی و اسلام‌گریان بوده است. قوانین محدود کننده‌ای بر فعالیت اتحادیه‌های تخصصی نظارت دارند و گاهی به دلیل نقض این قوانین، فعالیتشان از سوی دولت به حالت تعلیق در می‌آید.

مردم در بیرون از یک مغازه ادویه فروشی در خان الخلیلی^۲ دیده می‌شوند. صف مردان و زنان اغلب از هم جدا است.

شرایط و حقوق وابسته به جنسیت

توزیع کار بر پایه جنسیت: انجام کارهای خانه و پرورش کودک، تقریباً فقط مسئولیت زنان است. زنان، به ویژه در شهرها، کمک قابل توجهی را از طریق کارهای درآمدزا در

۱ جنبش‌های اسلام‌گرا در کشور مصر و به خصوص جنبش «اخوان المسلمین» از هر گونه کار سیاسی باز داشته شدند و حتی بعضی از اعضای آن‌ها در زندان به سر می‌برند.

۲. Khan el-Khalili

خارج از خانه صورت می‌دهند؛ اما از آن جایی که اکثریت زنان در بخش‌های غیر رسمی مشغول به کار هستند، میزان مشارکت آن‌ها اغلب ناچیز شمرده می‌شود. به علاوه، مسئولیت‌های زنان در داخل خانه در روستاها، بسیاری از فعالیت‌های پر بار و سودآور را در بر می‌گیرد، اگرچه این قبیل فعالیت‌ها معمولاً «کار» تلقی نمی‌شود. فعالیت‌های فوق شامل مراقبت از حیوانات و تهیه فراورده‌های لبنی می‌شود. زنان هم چنین ممکن است در برخی از مراحل تولید محصول، برای فروش در بازار مشارکت کنند.

وضعیت نسبی زنان و مردان. معمولاً، زنان و مردان دارای حقوق قانونی یکسانی هستند. اما وجود این قانون در ایجاد برابری و مساوات در جامعه به تنهایی مؤثر نخواهد بود، چرا که به عنوان مثال، اصل برابری دست مزد تنها در بخش‌های دولتی اعمال می‌شود. زنان شاغل در بخش‌های غیر رسمی اغلب حقوق کمتری نسبت به مردان دریافت می‌کنند. زنان در زمینه موقعیت‌های فردی (ازدواج، طلاق و حضانت کودک) از حقوق قانونی مشابهی مانند مردان برخوردار نمی‌باشند. تنها مردان مصری حق انتقال ملیت مصری را برای فرزندان خود دارند. با این حال، گروه‌های مختلف فمینیستی^۱ (طرفداران حقوق زنان) و حقوق بشر در راستای پیشبرد تحولات حقوقی و مبارزه با تبعیض علیه زنان، فعالیت می‌کنند.

مردها در داخل خانه از قدرت بیشتری نسبت به زنان برخوردارند، و به نظر می‌رسد تصمیم‌گیری‌های مهم بر عهده آن‌ها است. با این همه، زنان از نفوذ زیاد و قدرت غیررسمی برخوردار هستند.

ازدواج، خانواده و خویشاوندی

ازدواج: یکی از تصمیمات حیاتی زن انتخاب همسر برای ازدواج است. الگوی انتخاب همسر در این جا (مصر) بدین گونه است که اعضای خانواده‌ی دختر در مورد مرد آینده او با هم مذاکره می‌کنند. هر چند دختر خانواده نیز در این بحث‌ها شرکت دارد، اما از جهاتی ملزم به پذیرش همسری است که برای او انتخاب می‌کنند، حال آن که افراد بسیار دیگری، مانند واسطه‌های ازدواج نیز در این بحث‌ها شرکت دارند. به همان شکل، یک مرد جوان نیز ممکن است در انتخاب همسر آینده اش با محدودیت‌هایی رو به رو باشد. هم سن بودن و داشتن سطح تحصیلات مشابه به طور روزافزونی در آئین همسر یابی در مصر رایج شده است. ازدواج‌های قدیمی مبتنی بر نوع طبقه‌ی اجتماعی زوج و

۱. فمینیست‌ها، داعیه دار برابری کامل زن و مرد هستند در حالی که هم مخالف عقل است و هم مخالف شریعت. چرا که زن و مرد از نظر جسمی و روحی، با یکدیگر تفاوت دارند.

زوجه، به ویژه در بین شهرنشینان طبقات متوسط، به تدریج جای خود را به یک ازدواج مبتنی بر سازگاری میان زن و مرد می‌دهد. با این حال، ازدواج میان عموزاده‌ها هم چنان رایج است. مثلاً در سال ۱۹۹۵، ۳۹ درصد از ازدواج‌های صورت گرفته بین عموزاده‌ها بوده است. از آن جایی که داشتن روابط جنسی پیش از ازدواج نادر است، فشار برای ازدواج بالا بوده و تقریباً هر کسی به ازدواج فکر می‌کند.

مراسم ازدواج رایج در کشور مصر با ازدواج‌هایی که در مراکز قضایی و تحت قانون مربوطه صورت می‌گیرند متفاوت است. این مسئله در زندگی همگان دارای اهمیت است. زوج جوان باید محلی را برای زندگی خود انتخاب کنند؛ در عین حال دیده شده که هزینه‌های قابل ملاحظه‌ای برای برپایی مراسم ازدواج تامین شده است. مردم در مراسم ازدواج، تا آن جایی که بتوانند، گاهی حتی بیشتر، خرج می‌کنند، و در بین مردم طبقات بالا هیچ محدودیتی در این زمینه وجود ندارد.

تعدد زوجات (داشتن بیش از یک زن) در بین مسلمانان به ندرت مشاهده می‌شود و رو به کاهش است. نزدیک به ۵ درصد از مردان مسلمان بیش از یک زن دارند، و بیشتر آن‌ها تنها دارای دو زن هستند. یک مرد چند همسر معمولاً دو خانه برای خود دارد. طلاق رسمی در مصر به سهولت انجام می‌شود، گرچه خانواده‌ها تلاش می‌کنند بین زن و شوهر مصالحه به وجود آورند. نرخ طلاق رو به کاهش، ولی در مجموع تعداد آن در حال افزایش است. وقتی یک زوج دارای فرزند باشند، مادر تنها زمانی می‌تواند حضانت فرزند را بر عهده بگیرد که آن فرزند خردسال باشد. پدر خانواده بعدها ممکن است آن فرزند را مطالبه نماید. چند همسری و طلاق در مسیحیت به رسمیت شناخته نمی‌شود.

نام شخصی، یکی از نشانه‌های مهم هویت خانوادگی در مصر می‌باشد. مصری‌ها معمولاً فاقد «نام خانوادگی» به سبک غربی‌ها هستند؛ در بین غربیان، نام خانوادگی تمامی اعضای یک خانواده پرجمعیت مشابه است. در مقابل، هر فرد مصری دارای یک کنیه است و پس از آن، کنیه پدر زن یا پدر شوهر، پدر بزرگ و غیره، ذکر می‌شود. از لحاظ قانونی، نام یک فرد معمولاً «کنیه، نام پدر، نام پدر بزرگ» او می‌باشد. در نتیجه، اسم‌ها در میان مردم مصر سه قسمت دارند (مانند، حسن علی عبدالله). از این رو، هر شخص نام اجداد پدری را به ارث برده و احوالات فردی او در نام او مشخص می‌شود. در برخی مناطق روستایی در مصر، جایی که اصل و نسب دارای اهمیت است، مردم فهرستی طولیل از نام‌های اجداد پدری خود را فرا می‌گیرند. مردان مسلمان ممکن است نام‌های مذهبی برای خود انتخاب کنند، اما برخی نیز نام‌های غیر مذهبی را برای خود

بر می‌گزینند. مسیحیان ممکن است نام قدیسین خود را برای خود انتخاب کنند یا به آن‌ها کنیه‌هایی اعطا شود که عربی هستند و نه مذهبی. زنان نیز دارای نام‌های مذهبی هستند، اما گاهی نام‌هایی را انتخاب می‌کنند که معنی عجیب و غریب دارند، مانند نام‌هایی با ریشه خارجی. زنان مصری اغلب پس از ازدواج، نام خود را تغییر نمی‌دهند.

نهاد خانواده: اگرچه در حال حاضر بیشتر خانواده‌ها نوعی خانواده هسته‌ای به شمار می‌روند، با این حال برخی خانواده‌های پر جمعیت یا گسترده نیز وجود دارد. در مصر رسم بر این بوده است که دختر پس از ازدواج با خانواده شوهر زندگی کند، اما در شهرها، زوج‌های جوان اغلب دست کم پس از گذشت یکی دو سال، خانه جدیدی برای خود مهیا می‌کنند. حتی وقتی محل سکونت در بین خانواده‌های پر جمعیت یکی نباشد، افراد فامیل اغلب به یمن گردهمائی‌های خانوادگی، با یکدیگر رابطه برقرار می‌کنند. پدرسالاری در بین مردم مصر رایج بوده و مرد ارشد در خانواده معمولاً حرف آخر را می‌زند و انتظار می‌رود همه اعضای خانواده به او احترام بگذارند. برای مثال، زنان اغلب در گفتن این که برای تصمیم‌گیری فاقد اختیارات مستقل و مهم هستند، ابایی ندارند.

وراثت. شریعت اسلامی قائل بر تقسیم ارث است. دارائی‌های فرد متوفی باید بین ورثه، معمولاً فرزندان و همسر در قید حیات او تقسیم شوند. ورثه ذکور نسبت به ورثه اناث دو برابر ارث می‌برند. مضاف بر این‌ها، هر یک از گروه‌های ورثه باید دارای یک عضو ذکور باشد، حتی اگر آن شخص یکی از عموزاده‌های دور باشد. طبق وصیت نامه، هیچ کس نمی‌تواند بیش از یک سوم مال خود را به نفع فرد دیگری در وصیت نامه خود ببخشد، هر چند وی می‌تواند این مقدار را صرف امور خیریه کرده یا به یک نفر غیر از اعضای خانواده یا خویشاوند خود اعطا کند. استفاده از این قانون به ندرت صورت می‌گیرد و مردم بیشتر از اصول اسلام پیروی کرده و ترجیح می‌دهند دارائی‌های خود را در خانواده حفظ کنند. با این حال، توافقات به عمل آمده میان وراثت، به ویژه برادرها و خواهرها، ممکن است برآیند دیگری داشته باشد. برای مثال، یک پدر ممکن است جهیزیه دختر خود را برای ازدواج در قبال یک میزان ارث احتمالی تدارک ببیند.

گروه‌های خویشاوندی: خویشاوندی در مصر از نسل پدری شروع می‌شود و افراد، وابسته به دودمان پدری می‌باشند.

اجتماعی‌سازی

تربیت و آموزش کودکان: داشتن فرزند در سراسر مصر و بین مردم از تمامی طبقات اجتماعی، بزرگ‌ترین موهبت الهی محسوب می‌شود. مراقبت از فرزندان پیش از همه وظیفه زنان است. بسیاری از زنان مصری (مسیحی و مسلمان)، طبق احکام اسلامی تا

دو سال نوزادان را با شیر خود تغذیه می‌کنند. پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها و سایر اعضای خانواده‌های پرجمعیت نقش فعالی را در تربیت و بزرگ کردن بچه‌ها ایفا می‌کنند.

اگر چه در اوان کودکی به پسران اولویت بیشتری نسبت به دختران داده می‌شود، اما خانواده‌ها از همان ابتدا سعی می‌کنند تا با فرزندان خود، چه پسر و چه دختر، با محبت و مراقبت یکسانی رفتار کنند. این که خانواده‌ها ترجیح می‌دهند دست کم یک نوزاد پسر داشته باشند، به دلیل اشتیاق آن‌ها به داشتن ورثه و ادامه نسل از پدر به پسر است.

تحصیل در مصر ارزش والایی دارد، و خانواده‌ها در این زمینه سرمایه‌گذاری زیادی می‌کنند. حتی خانواده‌هایی که درآمد پائینی دارند نیز تلاش دارند تا در حد امکان به کودکان خود فرصت تحصیل بدهند. تحصیل، به ویژه گرفتن مدرک دانشگاهی، یکی از انگیزه‌های مهم برای پویایی اجتماعی محسوب می‌شود. با این حال، بسیاری از خانواده‌ها پس از پایان تحصیلات ابتدایی کودکانشان، دیگر قادر به تأمین هزینه ادامه تحصیل آن‌ها نیستند. گذشته از این، بسیاری کودکان مجبورند برای حمایت از خانواده‌های خود، کار کردن از سنین پائین را آغاز کنند.

آداب معاشرت، تواضع در لباس پوشیدن و رفتار کردن در بین مردم مصر از ارزش والایی برخوردار است. زنان برای لباس پوشیدن، یک دسته آئین‌های مخصوص به خود دارند و آن پوشیدن لباس‌هایی است که بتواند تمام بدن آن‌ها را به جز صورت و دست‌ها بپوشاند. به نظر زنان، معنای روشن این امر، پوشیدن روسری برای پنهان کردن موها و گوش‌های آن‌ها می‌باشد. آن‌ها باید روسری را با نوعی سنجاق تا زیر چانه ببندند. زنان در پوشش سر و صورت خود از سبک‌های مختلفی استفاده می‌کنند: برخی تنها به پوشاندن موی خود اکتفا کرده و برخی تمام صورت خود را پوشش می‌دهند؛ این است معنا و مفهوم حجاب در مصر. هر چند این وضعیت به سرعت تغییر کرده و تنوع در این زمینه به وفور دیده می‌شود؛ برخی از زنان اصلاً از حجاب پیروی نمی‌کنند. مردم معاصر مصر در مورد موضوعاتی که شایسته و لازم باشد، به گرمی با یکدیگر بحث می‌کنند. انگیزه‌ها برای حجاب متعدد است، به طوری که برخی زنان حجاب را در اسلام امری واجب دانسته درحالی که برخی تنها برای رضایت خاطر بستگان ذکور یا اناث خود حجاب را رعایت می‌کنند. مردان نیز به تواضع در لباس پوشیدن سفارش می‌شوند، هر چند تغییر در لباس پوشیدن مردان نسبت به زنان چندان مورد توجه نبوده است. برای مثال، مردها از پوشیدن شلوارهای راحتی و لباس‌های آستین کوتاه ابایی ندارند. برای مردان و زنان، اصل این است که لباس‌ها تنها باید اندام انسان را پنهان کنند.

یکی دیگر از اصول معاشرت این است که احوال پرسى باید پیش از هر نوع تعامل اجتماعى دیگر صورت بگیرد. وقتى فردى وارد یک جمع مى‌شود، حتى بین افراد غریبه، از او انتظار مى‌رود با تمامی حصار سلام و احوال پرسى کند. دست دادن بین افراد ناشناس کمتر رخ مى‌دهد. روبوسى نیز نوعى احوال پرسى به شمار رفته، و معمولاً بین اعضاى یک جنس صورت مى‌گیرد.

مردم عموماً یکدیگر را با کنیه صدا مى‌کنند و اغلب پیش از گفتن کنیه، به آن عنوانى را اضافه مى‌کنند. عم یا عمو، عنوانى برای مردان است که معانى مختلفی دارد؛ حاج، به مردى که از زیارت مکه بازگشته گفته مى‌شود یا به طور کلی برای صدا کردن مردان سال خورده به کار مى‌رود؛ از واژه دکتر برای کسانی استفاده مى‌شود که مدرک دکترى داشته باشند و مهندس برای صدا زدن مهندسین استفاده مى‌شود. صدا زدن فردى با اسم کوچک نشانه بی حرمتى به او است.

یکی از اصول مهم در آداب معاشرت، رفتار محبت آمیز و دوستانه با میهمانان است. تعارف چای یا یک نوشیدنى غیر الکلی، معمولاً کم ترین چیزى است که میهمان انتظار آن را دارد. به نوشیدنى اول گاهى «نوشیدنى خوش آمد» گفته مى‌شود. سیگار نیز اغلب به عنوان نوعى میهمان نوازی تعارف مى‌شود. در مناطق روستایى، برخى افراد از دید و بازدید با کسانی که از موقعیت اجتماعى پائین ترى نسبت به آنها برخوردار هستند، اجتناب مى‌ورزند. از این نقطه نظر، دیدارها همیشه «پائین»، و میهمان نوازی همیشه «بالا» فرض مى‌شود، بدین معنا که میزبان با موقعیت اجتماعى بالاتر، از میهمان با موقعیت اجتماعى پائین تر پذیرایی مى‌نماید.

به طور کلی، جوان ترها به سال خوردگان، و زنان به مردان احترام مى‌گذارند. از جوانان انتظار مى‌رود به بزرگ ترهاى خود احترام بگذارند و از آنها سرپیچی نکنند. آنها هم چنین باید از تعبیر خاصى برای صدا زدن خاله، عمو، پدر بزرگ و مادر بزرگ خود و نیز سال خوردگان غیر فامیل، استفاده کنند. جوان ترها نباید صدای خود را در مقابل بزرگ ترها بالا ببرند، یا وقتى بزرگ ترى سر پا ایستاده، آنها بنشینند. با افزایش شکاف طبقاتى و گسترش روابط ولّى نعمتى، استفاده از الفاظ محترمانه رو به کاهش است. این معضل هم چنین شامل احیای الفاظى است که پیش از این در محیط‌هاى رسمى استفاده شده، مانند پاشا^۱ و بی^۲، اما پس از سال ۱۹۵۲ منسوخ شده‌اند.

۱. Pasha

۲. Bey

دین

اعتقادات دینی: مصر کشوری است که آن را با «تقوای روزمره» می‌شناسند. اعتقاد اصلی در اسلام، یکتایی خداوند بوده که حقیقت آن از طریق وحی برای حضرت محمد ﷺ آشکار گردیده است. جاری کردن این اعتقاد بر زبان یکی از پنج رکن دین اسلام به شمار می‌رود. چهار رکن دیگر از ارکان اسلام را روزه ماه رمضان، زیارت مکه، پنج نوبت نماز یومیه و زکات دادن تشکیل می‌دهند. برای بسیاری از مسلمانان، این پنج رکن خلاصه نظام اعتقادی آن‌ها بوده و باید با عمل همراه باشند. مصریان، اعتقاد به خدا و قدرت او را مرتباً در ذهن خود تداعی می‌کنند. برای مثال، هر گونه اظهار نظر در مورد آینده، با گفتن «انشاء الله» همراه بوده، که نشان می‌دهد اراده نهایی از آن خداوند است. در مصر، تفسیرهای دیگری نیز در این زمینه امکان پذیر است. به نظر عده‌ای، وقتی کسی بر این حقیقت که خداوند قادر مطلق است، تمرکز داشته باشد، اعمال دینی این فرد، طلب کمک خدا برای رفع مشکلات و در نتیجه عاقب به خیری و نیز مسائلی مانند درمان بیماری‌ها یا رهایی از درماندگی خواهد بود. در کنار این اعتقاد، یک دسته اعمالی نیز گسترش یافته‌اند که از آن جمله می‌توان به زیارت از اماکن مقدس اشاره کرد.

مردم معتقدند که در این زیارت گاه‌ها، اغلب افرادی دفن شده‌اند که مورد عنایت خداوند بوده، از این رو در طلب شفاعت از آن‌ها نزد خداوند، برای زیارت به این مکان‌ها می‌آیند. برجسته‌ترین این زیارت گاه‌ها در قاهره آن‌هایی هستند که خاندان حضرت محمد ﷺ در آن دفن شده باشند. با این حال، در هر روستا یا شهر، چنین زیارت گاه‌هایی وجود داشته که دارای اهمیت متفاوتی هم هستند. این وجه از دین اغلب مورد حمله علمای دینی ظاهرین قرار گرفته است؛ این عده اعتقاد دارند این گونه بها دادن به مقدسین یا اولیاء، باعث می‌گردد یکتایی خداوند تحت الشعاع قرار بگیرد.^۱

انجمن‌های اهل تصوف به شکل رایجی در مصر وجود دارند (مانند انجمن برادری صوفیان^۲). این گروه‌ها که اعضای آن را اغلب مردان تشکیل می‌دهند، تحت رهبری فردی هستند که شیخ^۳ نامیده می‌شود؛ البته این شیخ‌ها دارای سلسله مراتب بوده و هدف آن‌ها کمک به مریدان خود جهت کسب تجربه برای برقراری ارتباط با خدا، می‌باشد^۴. این تجربیات عرفانی اغلب از طریق آئین‌ها و مراسم عمومی حاصل می‌شود

۱. داعیه دار این نظریه‌ها فرقه ضاله وهابیت می‌باشد که توجه و استشفا از اماکن مقدسه را در تنافی با ذات واحد الهی می‌دانند.

۲. Sufi brotherhoods

۳. shaykh

۴. تصوف، گرایش منحرفانه عرفان ناب اسلامی می‌باشد که بر انزوا و گوشه نشینی استوار است و همواره یکی از ابزارهای حکومت ظالمان در مستضعف نگاه داشتن مردم عوام بوده است.

که برای هر یک دستوری به نام ذکر^۱ تعیین شده است. در مصر، نزدیک به یکصد انجمن اهل تصوف وجود دارد که به طور رسمی شناخته شده‌اند. علاوه بر اینها، چندین انجمن ناشناخته نیز از این دست وجود دارد که به ادعای خود دارای شش میلیون عضو هستند (نزدیک به یک سوم از جمعیت مردان بالغ در کشور).

عرف حاکم در مصر، در حال حاضر تمرکز بر اعتقادات بنیادین اسلام و تلاش برای آشنایی با «شریعت» اسلامی می‌باشد. به عقیده کارشناسان امور دینی، شریعت اسلام حاوی دستورات خاصی است که مسلمانان باید در زندگی روزمره خود از آن‌ها پیروی کرده تا بتوانند مطابق با مشیت الهی عمل کنند. همان طور که در قرآن آمده، کلام الهی کلام حق است. هر فردی که اهلیت یا حسن شهرت دینی داشته باشد، ممکن است به عنوان پیش نماز (امام) انتخاب شود، هر چند مساجد معروف معمولاً دارای یک پیش نماز دائمی هستند. خطبه نماز روز جمعه توسط فردی خوانده می‌شود که خطیب^۲ نام دارد. بسیاری از این خطیبان در مدارس دینی آموزش دیده‌اند. در خصوص این که آیا زنان می‌توانند چنین نقش‌هایی را ایفا کنند یا خیر، به ویژه آموزش علوم دینی به زنان و دختران، بحث‌ها و تبادل نظرهایی وجود دارد.

شیخ الازهر^۳، که ریاست تشکیلات دینی را عهده دار بوده و مفتی اعظم^۴، که مفسر معتبر قرآن است، دو رهبر دینی بزرگ مسلمانان در مصر به شمار می‌روند. افرادی با داشتن این مقام، گاهی موضع‌گیری متفاوتی را در خصوص برخی مسائل از خود نشان می‌دهند.

دو عید بزرگ دینی مسلمانان در مصر، یکی عیدی است که پس از پایان ماه رمضان جشن گرفته می‌شود و دیگری عید قربان^۵، که به زیارت مسلمانان از مکه نیز مربوط می‌شود. روز تعطیل مذهبی در آخر ماه رمضان، پس از یک ماه روزه داری و دید و بازدید خانوادگی آغاز شده و در آن مردم معمولاً به استراحت می‌پردازند. عید قربان روزی است که در آن اراده حضرت ابراهیم در قربانی کردن پسرش، قربانی‌ای که به طرز معجزه آسایی به یک قوچ تبدیل شد، جشن گرفته می‌شود. در یادبود این روز، بیشتر خانواده‌ها سعی می‌کنند قوچی را قربانی کنند. روز مولود نبی^۶ یکی دیگر از اعیاد مذهبی است که

۱. zikr

۲. khatib

۳. Shaykh al-Azhar

۴. Grand Mufti

۵. Id al-Adha

۶. حاجیان عمل واجب قربانی را در این روز، در سرزمین عرفات انجام می‌دهند.

۷. Moulid an-Nabi

در آن سال روز ولادت حضرت محمد ﷺ پاس داشته می‌شود؛ این روز برای اهل تصوف اهمیت ویژه‌ای دارد.

در اسلام، جمعه روزی است که در آن نماز جمعه به جا آورده می‌شود. جمعه بدون این که یک «روز استراحت» رسمی باشد، وقفه‌ای در ایام هفته به شمار می‌رود. در مصر معاصر، جمعه و شنبه دو روز آخر هفته می‌باشند. در نتیجه، ایام کار و مدرسه از یکشنبه تا پنجشنبه ادامه دارد، اگرچه برخی مردم شنبه‌ها نیز کار می‌کنند. مسیحیانی که طبق این زمان بندی کار می‌کنند، در هنگام عصر به کلیسا می‌روند، و از روز جمعه برای گردهمائی‌های مهم استفاده می‌کنند.

کلیسای مسیحی ارتدوکس، از نسل کلیساهایی است که با نام اسقف اعظم مسیحیان در اسکندریه^۱ شناخته می‌شوند. کلیسای فوق، کلیسای اصلی مسیحیان در مصر به شمار می‌رود. آموزه‌های دینی در این کلیسا بر این اعتقاد استوار است که عیسی مسیح تنها دارای یک ذات، هم انسانی و هم الهی^۲ بوده است. رئیس کلیسای مسیحیان را اسقف اعظم بر عهده دارد که از سوی دیگر اسقف‌ها و کشیشان ناحیه حمایت می‌شود. رهبانیت نیز در کلیسای مسیحیان نقش حیاتی دارد و اسقف اعظم مقامی است که در زمره ی راهبان و نه کشیشان کلیسا قرار می‌گیرد. پس از مرگ اسقف اعظم، جانشین او به حکم تقدیر (یعنی از جانب پروردگار)^۳ از بین عده کمی از نامزدها انتخاب می‌شود که مرحله گزینش را پشت سر گذاشته باشند. مسیحیان مصری از صومعه به عنوان زیارت گاه و خلوت گاه بهره می‌گیرند. در حال حاضر، مریم مقدس مورد تکریم بوده و بسیاری از کلیساها به او تخصیص داده شده‌اند.

کرسمس و عید پاک دو عید بزرگ مسیحیان به شمار می‌روند. عیدهای دیگری که در ادامه این دو عید بزرگ قرار دارند شامل عید القَطَّاس^۴ (ظهور عیسی مسیح)، روز غسل تعمید مسیح^۵، یکشنبه درخت خرما^۶ و برخی اعیاد دیگر که به مریم مقدس مربوطه می‌شوند (معراج، در اواسط ماه اوت، یکی از مهم ترین آن‌ها به شمار می‌رود). مسلمانان و مسیحیان مصری از بسیاری جنبه‌ها به جز دین به یکدیگر شباهت

۱. Alexandria

۲. monophysite

۳. ادعای نادرستی است. دین مسیح، بعد از ظهور دین مبین اسلام حجیتی ندارد تا چه رسد به این که رهبران آن از جانب خداوند معین شود.

۴. 'Id al-Ghattas

۵. baptism of Christ

۶. Palm Sunday

دارند. دعای روزمره در بین آن‌ها مشترک است، و بسیاری ارزش‌های دینی آن‌ها با هم اشتراکات کلی دارند. البته یک چشم تیزبین می‌تواند برخی وجوه تمایز بین این دو را تشخیص دهد: لباس «اسلامی» مشخصه زنان مسلمان است؛ مردان و زنان مسیحی ممکن است یک علامت صلیب را بر روی میچ دست راستشان خال کوبی کرده باشند؛ اسم افراد نیز اغلب و نه همیشه، ممکن است نشانه‌ای در این زمینه محسوب شود. بیشتر مردم اغلب اعتقاد دارند که این وجوه تمایز اهمتی ندارند؛ اما گاه گاهی برخی افراد در گوشه و کنار بر این اختلافات صحنه گذاشته و از تبعیض‌ها یا بی‌عدالتی‌ها حمایت و یا آن را اعمال می‌کنند. چنین سخنانی به ندرت به اقدامات خشونت بار منجر می‌شوند؛ با این حال، مرز بین این دو حفظ شده و هر دو گروه، ازدواج و گفت و گوی بین ادیان را نپذیرفته یا نهی می‌کنند^۱. محل سکونت مسلمانان و مسیحیان نزدیک به هم بوده، هر چند گروهی از آن‌ها به طور پراکنده در مناطقی که اکثریت مردم مسلمانان هستند، زندگی می‌کنند. در دوران معاصر، حضور مسلمانان و مسیحیان مانع از این شده تا مصر به عنوان یک کشور مسلمان معرفی شود^۲. این موضوع در نهایت به طرف داری از سکولاریسم، دست کم به صورت غیر مستقیم، منجر شده است^۳.

آئین‌ها و اماکن مقدس. آئین‌هایی که نشان دهنده مراحل مختلف زندگی هستند، یکی از جنبه‌های مهم در حوزه دین به شمار رفته و دارای اشتراکات زیادی نیز میان مسلمانان و مسیحیان هستند. مصریان معمولاً یک هفته پس از تولد نوزاد، مراسم نام گذاری را آغاز می‌کنند؛ این مراسم آمیزه‌ای از عناصر اسلامی (یا مسیحی) و «سنتی» بوده، و اساساً نوعی جشن خانوادگی است که به واسطه آن نوزاد به عضویت خانواده در می‌آید. تمامی پسرها، عموماً در دوران طفولیت، ختنه می‌شوند؛ دخترها را نیز پیش از رسیدن به سن بلوغ معمولاً «ختنه» می‌کنند. (اگرچه نوع ختنه یا کوتاه کردن آلت تناسلی زنان متفاوت است، اما بررسی‌ها نشان می‌دهد نزدیک به ۹۷ درصد از زنان مصری، هم مسلمان و هم مسیحی، با این قضیه درگیر هستند).

مسیحیان، آئین‌های دینی خود را در کلیسا برپا می‌کنند و معمولاً پس از پایان آن، اعضای خانواده در همان روز جشن می‌گیرند.

۱. اسلام، گفت و گوی سازنده و حقیقت طلبانه بین ادیان را نفی نمی‌کند و در سیره اولیای دین هم دیده می‌شود.

۲. ادعای نادرستی است. مصر در جهان به عنوان کشوری مسلمان شناخته می‌شود و هیچ تردیدی هم درباره آن وجود ندارد.

۳. این مسئله، تأثیری در سکولار کردن جامعه مصر نداشته است و این حکومت‌ها هستند که روش سیاسی و اجتماعی خود را بر می‌گزینند.

مرگ و زندگی پس از آن: وقتی کسی می‌میرد، چه مسلمانان و چه مسیحیان، تلاش می‌کنند جسد مرده را در همان روز دفن کنند. عرض تسلیت‌ها بلافاصله شروع شده، اما در روز چهلم و سال‌گرد متوفی، باز هم تسلیت گفته می‌شود. در مراسم سوگ واری مسلمانان، اغلب قرآن تلاوت می‌شود. هر دو گروه مسلمانان و مسیحیان قائل به روح بوده و آن را از دیگر جنبه‌های غیر جسمانی انسان، مانند همزاد، برادر، خواهر و شبح، متمایز می‌دانند. به نظر آن‌ها، «روح» قبل از تولد و بعد از مرگ وجود دارد، هر چند برخی از ویژگی‌های فردی متوفی با مرگ از بین رفته و تنها پس از مرگ ظاهر می‌شوند.

پزشکی و مراقبت درمانی

مراقبت‌های درمانی یکی از دغدغه‌های مهم مردم و نیز از اولویت‌های دولت به شمار می‌روند. در مصر، شبکه‌ای وسیع از بیمارستان‌های دولتی در شهرهای کوچک و بزرگ سراسر کشور به چشم می‌خورد. تقریباً در هر روستا، یک واحد درمانی وجود دارد که به ارائه خدمات پزشکی می‌پردازد. با این همه، معیار این خدمات پزشکی متفاوت بوده و مردم اغلب در می‌یابند که باید در بیمارستان‌ها و درمان‌گاه‌های خصوصی به جست و جوی درمان خود باشند. در شهرهای مصر که ازدحام جمعیت دیده می‌شود، مردم به دنبال دیگر شیوه‌های درمانی، مانند هومیوپاتی^۱ (معالجه امراض به وسیله تجویز دارویی که در اشخاص سالم علائم آن مرض را به وجود آورد)، می‌گردند.

مصریان تمایل دارند تا نظام درمانی امروزی را با شیوه‌های سنتی در هم بیامیزند. در روستاها، مثلاً قابله، نه تنها در زمان تولد نوزاد و برگزاری آداب و رسوم مربوطه، بلکه در دادن توصیه‌های پزشکی عمومی به زنان، نقش مهمی را ایفا می‌کند. افراد دیگری نیز مانند پیش‌گوها و شفا دهندگان روح، با شیوه‌های سنتی به درمان می‌پردازند. مراسم معروف به زار^۲، نوعی آئین احضار روح است که به کمک آن بیمار می‌تواند با ارواحی که او را آزار می‌دهند، ارتباط برقرار کند؛ صحت و سقم این روابط را باید کارشناسان امر تشخیص دهند.

تعطیلات رسمی و مناسبت آن‌ها

تعطیلات دولتی مهم در مصر عبارت‌اند از: ۲۵ آوریل، روز آزادسازی سینا^۳، که در آن شبه جزیره سینا در سال ۱۹۸۲ بازپس گرفته شد؛ ۱ مه، روز بین‌المللی کار^۴؛ ۲۳ جولای،

۱. Homeopathy

۲. zar

۳. Sinai Liberation Day

۴. International Labor Day

که سال روز انقلاب ۱۹۵۲ محسوب می‌شود و ۶ اکتبر، روز نیروهای مسلح^۱، که یادآور روزهایی از سال ۱۹۷۳ است که ارتش مصر موفق به عبور از کانال سوئز شده و پس از غافل گیر کردن ارتش اسرائیل و کسب یک پیروزی نظامی مختصر، بعدها توانست با اِعمال شیوه‌های دیپلماتیک، شبه جزیره سینا را بار دیگر برای مصر بازپس گیرد. روز کار در مصر هم چون دیگر نقاط جهان، روز احترام به طبقه کارگر است. روزهای دیگر نیز، وقایع مهم در تاریخ سیاسی اخیر کشور را نشان می‌دهند. تمامی این روزها رسمی بوده و جشن ملی مختصری نیز در طول آن برگزار می‌شود.

هنر و علوم انسانی

ادبیات. نجیب محفوظ^۲ (متولد ۱۹۱۱)^۳، نویسنده‌ای که موفق به کسب جایزه نوبل شده، در بین رمان نویسان، شاعران و نویسندگان داستان‌های کوتاه در مصر، که نوشته هایشان به طور گسترده خوانده و ترجمه شده‌اند، مقام اول را دارا است. نوشتن داستان‌ها و حماسه‌های عامیانه ادامه داشته اما علاقه مندانی چندانی ندارد. هنرهای گرافیکی. نقاشان با فروش آثار نقاشی خود می‌توانند هزینه‌های خود را تامین کنند. نمایش گاه‌های هنری بسیاری در مصر وجود دارد که بیشتر در شهر قاهره متمرکز شده‌اند. خریدن آثار نقاشی همواره میان اعضای گروه‌های اجتماعی توان گر، نشانه ذوق سلیم و وجه تمایز آن‌ها بوده است. رنگ کردن دیوار خانه‌های روستایی در مصر با بهره گیری از شیوه‌های عامیانه، بسیار شناخته شده است.

هنرهای نمایشی. صنعت فیلم سازی در مصر یکی از قدیمی ترین صنعت‌های فیلم سازی در جهان است. تولید فیلم قبل از هر چیز یک هنر، یک صنعت و یک تجارت به شمار می‌رود. فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی مصر نه تنها در داخل این کشور بلکه در سراسر جهان عرب طرف داران مشتاق دارد. این فیلم‌ها از ملودرام‌های خیلی قدیمی گرفته تا فیلم‌های با ارزش هنری بالا، در سطح بین المللی مورد تحسین واقع شده و جوایزی را نیز به خود اختصاص داده‌اند. تولید فیلم در حال حاضر تقریباً در انحصار کامل بخش خصوصی قرار دارد.

ام کلثوم^۴ (وفات ۱۹۷۵)، معروف ترین خواننده مصری است که آوازهای او هنوز در

۱. Armed Forces Day

۲. Naguib Mahfouz

۳. نویسنده‌ای که در نهایت نوشته هایش، رنگ و بوی ضد دینی را می‌داد و حتی بعضی از علمای مصر، حکم به ارتداد وی دادند.

۴. Umm Kalthum

سراسر کشورهای عربی پخش می‌شود. چند خواننده معاصر دیگر نیز در داخل و خارج از کشور محبوبیت قابل توجهی داشته‌اند. اپرا باله، یکی از ارکسترهای سمفونی در قاهره به شمار رفته و گروه‌های دیگری نیز به تولید موسیقی می‌پردازند.

وضعیت علوم طبیعی و اجتماعی

در مصر نزدیک به سیزده دانشگاه دولتی وجود دارد، که در برخی از آن‌ها چندین رشته تدریس شده و در آن‌ها نزدیک به یک میلیون دانشجو ثبت نام کرده‌اند. یک دانشگاه قدیمی و خصوصی نیز، به نام دانشگاه آمریکا^۱ در قاهره دایر است که بسیار کوچک است. البته چندین دانشگاه جدید نیز در مصر وجود دارند.

در کل، علوم طبیعی و اجتماعی به دپارتمان‌های آکادمیک در دانشگاه‌های مختلف و نیز مراکز تحقیقاتی وابسته به دولت محدود می‌شوند. در حال حاضر، گرایش فزآینده‌ای به رفع نیازهای اجتماعی و اقتصادی با توسل به دانش علمی و تاکید بر مناسب بودن چنین دانشی، وجود دارد. برای همین منظور، شهرک دانشگاهی جدیدی به نام مبارک^۲ در مصر تأسیس شده که در آن یک مؤسسه فناوری اطلاعات و مؤسسه دیگری نیز در رشته ژنتیک، نیازهای صنعت را تأمین می‌کنند. نیاز به تحقیق و توسعه قابل درک بوده، اما برآورده کردن آن بسیار دشوار است.

در دهه ۱۹۲۰، رشته‌های اصلی دانشگاهی در دانشگاه قاهره شکل گرفتند. به نظر می‌رسد اقتصاد در بین علوم اجتماعی بیشترین رشد را داشته است، هر چند علوم سیاسی و روان‌شناسی نیز رو به پیشرفت هستند. رشته جامعه‌شناسی در ۱۹۲۵ در شهر قاهره ایجاد شد و اکنون در بیشتر دانشگاه‌ها تدریس می‌شود.

مراکز اصلی علوم انسان‌شناسی، در اسکندریه و دانشگاه آمریکا در قاهره واقع شده‌اند. تلاش‌های گسترده‌ای صورت گرفته تا مبحث انسان‌شناسی را با الگوهای تحول در دوران معاصر، اغلب تحت عنوان توسعه، در هم بیامیزند. انگیزه یا هدف اصلی این مبحث در مصر توسعه درک مشترک فرهنگ‌ها نبوده بلکه تسریع در ایجاد توسعه در مصر است. از آن جایی که جایگاه‌های رسمی و شغلی اندکی در رشته انسان‌شناسی وجود دارند، بیشتر کارشناسان متخصص در این زمینه به تدریج به کارشناسان عمومی در امر توسعه تبدیل شده‌اند.

۱. American University

۲. Mubarak City for Scientists